



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



اختصار و ترجمه: غوث جانباز

۲۰۲۱/۱۱/۲۳

## «شبکه حقانی» را می توانند در عوض به رسمیت شناختن طالبان مبادله نمایند

آندری سیرینکو، میسر سیاسی روزنامه «نی زاویسیمایا گازیت» و مدیر «مرکز مطالعات پالیسی های افغانسان» (روسیه) مطلب دلچسپ تحلیلی را تحت عنوان «شبکه حقانی» را می توانند در عوض به رسمیت شناختن طالبان مبادله نمایند» به نشر رسانده که نکات مهم و برجسته آن در ذیل ترجمه و خدمت ارایه می گردد :

-حاکمیت صد روزه طالبان، اوضاع سیاسی را در این کشور عملاً به بن بست کشانده است؛

-در داخل کشور، بحران عمیق و وسیع اقتصادی- اجتماعی- بشری به سرعت در حال اوج گرفتن است؛

-طالبان که طی بیست سال اخیر از هر گونه ابزار برای تخریب و برهم زدن فعالیت ارگانهای دولتی استفاده کردند، اکنون اداره دولتی را عملاً مفلوج ساخته است؛

در عرصه روابط بین المللی، طالبان و مریبان پاکستانی آن دو هدف را در برابر خویش گذاشته بودند :

الف- به رسمیت شناختن حکومت طالبانی،

ب- کسب کمک های ملموس اقتصادی - مالی از جامعه جهانی؛ لیکن طالبان در این راستاء هیچگونه موفقیتی به دست نیاورد. کسی آنرا نه در سطح منطقه و نه هم فرا منطقه به رسمیت شناخت .

-چینل کوچک و محدود کمک های بشر دوستانه عده ای از کشورها، در واقعیت یک بار دیگر بر امکانات محدود طالبان و ضعف کامل آنها در تأمین مرادوات و معاملات بین المللی به حیث یک حکومت صحنه می گذارد. هیچ کس حاضر نیست با طالبان به حیث نماینده مسول دولت داخل تعامل گردد. در عین حال، وابستگی شدید نظامیان طالبان از جهان بیرونی هر چه بیشتر می سازد.

-ملا متقی، وزیر خارجه «حکومت طالبان» هفته قبل گفت : «ما نمی دانیم چه کنیم تا ایالات متحده آمریکا ما را به رسمیت بشناسد.» این تغییر لحن در ادبیات «ملاهای خشن» (طالبان) نمونه ای روشن سراسیمگی در میان آنها بوده و بخوبی نشان می دهد که این گروه فاقد یک ستراتیژی مدون حتی برای دورنمای نزدیک می باشد؛

-از جانب دیگر، آنهائیکه در «بازی بزرگ» پیرامون افغانستان اشتراک می نمایند، نیز از کدام ستراتیژی معینی برخوردار نیستند. آمریکا و متحدان غربی آن در برابر طالبان وقفه ای تمام عیار را اختیار نموده اند ( گرچه در سطح دیپلوماسی پشت پرده و فعالیت های استخباراتی کارها خوب در جوش اند...)

-امیدواری های رومانیتیک در باره آنکه پس از خروج نظامیان امریکائی و ناتو از افغانستان، کشور های منطقه از قبیل روسیه، چین، ایران، پاکستان و دیگران به سرعت به توافق خواهند رسید، و بحران طولانی در افغانستان سرانجام به پایان خواهد یافت، طوریکه انتظار میرفت نقش بر آب گردد. افزون بر آن، دیده می شود که در تناسب به اقدامات بازیگران غربی، مساعی منطقه ئی حتی کمتر مؤثریت داشته اند؛

-در حال حاضر، بخوبی مشاهده می شود که ظرفیت و نفوذ منطقه ئی بالای بحران افغانستان رو به اتمام است؛

-کنفرانس ها و گردهمائی که طی سه ماه اخیر در کشور های مختلف به راه انداخته شدند، به اثبات می رساند که مقدرات و ظرفیت شان برای حل معضله افغانسان محدود است؛

-در متن اینهمه، در حال حاضر، در افغانستان سه پدیده که در بهار - تابستان سال ۲۰۲۲ می توانند دینامیک پروسه های نظامی - سیاسی را در این کشور و احتمالاً در سراسر منطقه تغییر دهند در حال قوت گرفتن است :

اول، رستاخیز، تغییر شکل پروژه داعش- هرگاه پالیسی طالبان تغییر نیابد، منطقه طی یک سال می تواند با یک نیروی جدید جهادی به کمیت ده هزار جنگجوی داعشی (شاید بیشتر) روبرو گردد. هسته اساسی این جنگجویان را همین طالب ها که نظر به عوامل گوناگون از این گروه جدا خواهند شد، تشکیل خواهد داد.

دوم، رستاخیز و تحول «ائیتلاف شمال»؛ گرچه فعالیت و وسعت این مقاومت در حال حاضر صرف منحصر به چند ولسوالی است. اما هرگاه ائیتلافی ها بتوانند فورمول مورد قبول را برای افغانهای خارج از پنجشیر بیابند و در سطح

منطقه، بر علاوه تاجکستان، حمایت هند و ایران را نیز کسب کنند، در اینصورت نظامیگران طالب و مدیران پاکستانی آن طی چند ماه می توانند با خیزش های بزرگ در شمال و غرب کشور روبرو شوند.

سوم، احیاء و تحول طالبان پاکستانی (تحریک طالبان پاکستان) - «پیروزی» طالبان در افغانستان به سرکرده های طالبان پاکستانی الهام بخش بوده و یک نوع خوشبینی بخشیده است. این تحریک اخیراً به فعالیت های خود در حوزه وزیرستانها شدت بخشیده است. «ت. ط. پ.» اعلام داشته که مصمم است جهاد را از افغانستان به پاکستان منتقل سازد. این وضعیت نظامیگران پاکستانی را سخت نگران ساخته و آنها جداً احساس کرده اند که کارنامه های ضد افغانستان شان می تواند علیه خود شان برگردد؛

-بن بست سیاسی که پس از حاکمیت صد روزه طالبان در افغانستان به میان آمده ناتوانی، محدود بودن ظرفیت، منابع و امکانات خود نظامیگران طالب و مربیان پاکستانی، و همچنان تا حد تمام کشورهای منطقه، به شمول روسیه و چین را آشکار ساخت؛

-میرهن است که بیرون رفت از بحران سیاسی کنونی در افغانستان، قبل از همه خواستار تغییر ستراتیژی دو بازیگر کلیدی «بازی بزرگ»، یعنی نظامیگران طالب و اسلام آباد می باشد؛

-حاکمان پاکستان تا اکنون سرسختانه از تحکیم مواضع سرکرده های گروپ حقانی در داخل حکومت «ط» حمایت کرده اند. این روش پاکستانی ها سر انجام منجر به افزایش روحیه اشتهای ناپذیری و رادیکال شدن ایدئولوژیکی تمام به اصطلاح «حکومت سرپرست» طالبان گردید؛

-حاکم بودن حلقه ای حقانی ها در حکومت طالبان باعث آن گردیده که اداره «ط» در کابل به فراخوانهای جامعه بین المللی در باره ایجاد حکومت فراگیر و رعایت حقوق اساسی بشر بی اعتناء باقی بمانند؛

-برای تغییر وضعیت به وجود آمده طی ماه های نزدیک باید دو کار صورت بگیرد :

الف- گروپ حقانی معتقد ساخته شود تا در برابر تقاضا های جامعه جهانی اقدام به عقب نشینی قابل ملاحظه نماید؛ و

ب - این گروپ از قدرت دور ساخته شود، و نفوذ آن در دواير و ارگانهای دولتی به حداقل کاهش یابد، و قوماندانان کلیدی و سرکرده های سیاسی آن کنار زده شوند؛

-البته اقدام به هر دو کار خیلی دشوار بوده و عملاً یک نوع کودتای نظامی - سیاسی را در کابل در پی خواهد داشت؛ -در نتیجه این کودتای احتمالی باید انتقال قدرت از گروپ حقانی به گروه معتدلی تحت ریاست ملا عبدالغنی برادر، که ملا یعقوب، وزیر دفاع نیز از او حمایت خواهد کرد، صورت بگیرد؛

-احتمال انجام اینگونه کودتای طی ماه های نزدیک بیشتر به نظر می رسد؛ چون تداوم وضعیت کنونی و حاکمیت حقانیها در اداره طالبان، نه تنها باعث ظهور جهت ها و عواقب منفی هم در داخل افغانستان و هم در سطح منطقه گردیده و منجر به تقویه هر چه بیشتر آن خواهد گردید؛

-تغییر احتمالی فوق الذکر، و کنار زدن حقانیها، وابستگی مستقیم به موضعگیری اسلام آباد دارد؛ -شبکه حقانی برای پاکستانی ها سرمایه بسیار مهم و ارزشمند بوده، بنابراین گذشتن از آن برایشان کار ساده نخواهد بود؛

-در عین حال، حمایت بعدی از حقانیها و حضور آنها در راس اداره طلبه ها در کابل، برای اسلام آباد روز به روز دشوار شده می رود. اسلام آباد که خود در وضعیت ناهنجار اقتصادی قرار دارد و شدیداً وابسته به کمک های مالی-اقتصادی از امریکا بوده، به خوبی ملتفت است که حضور حقانیها در اداره طلبه ها در کابل چنانسی به رسمیت شناختن حکومت طلبه ها را از طرف امریکا و کشورهای غربی مقرب به صفر می سازد.

-بنابراین، احتمال آن می رود که اسلام آباد سرانجام با پیشنهاد تصفیه گروپ حقانی در میان اداره طلبه ها تن خواهد داد، و به انتقال قدرت به افراد معتدل تر مانند ملا برادر یا ملا متقی موافقت خواهد کرد؛

-البته اسلام آباد احتیاط و زیرکی را فراموش نمی نماید، و به این کار زمانی تن خواهد داد که انجام کودتای احتمالی سیاسی برایش قیمت تمام نشود، پروسه کنار زدن حقانیها به سرعت صورت بگیرد و جنجال برانگیز نشود؛

-پاره از علایم بیانگر آن است که مشوره های معینی میان کشورهای امریکا، قطر، پاکستان و عده ای دیگر راجع به تجدید فرمت ترکیب حکومت آینده طلبه ها جریان دارد؛

-معلومات دست داشته گویاست که واشنگتن بزودی تقاضای جایجا ساختن ناظرین نظامی را در خاک افغانستان به منظور هدف قرار دادن مراکز و زیربنای تروریست ها از هوا مطرح خواهند ساخت. به عبارته دیگر حرف از تحت کنترل درآوردن بخشی از خاک افغانستان توسط امریکاییان در بدل به رسمیت شناختن حکومت طلبه ها که در راس آن ملا برادر یا ملا متقی قرار خواهد داشت و ارایه کمک های مالی - اقتصادی، در میان خواهد بود؛

-مشکل است گفت که در این همه سناریو های احتمالی جایگاه روسیه کدام خواهد بود، و چه نقشی را بازی خواهد کرد. مسکو روابط قابل اعتماد با گروه حقانی ندارد، بنابراین ظاهراً کنار زدن حقانیها از قدرت کدام عواقبی فاجعه بار برای مسکو در پی نخواهد داشت؛

-قابل یاد آوری است که مسکو در گروپ ملا عبدالغنی برادر نیز مواضع خاصی ندارد؛ «برادران» به طور عنعنوی از جانب امریکائیا و قطری ها حمایت می شوند، بنابراین، احتمال اینکه به آنها اجازه داده شود تا کدام بازی مستقلانه را با روسیه و (یا) چین به راه بیاندازند اندک است؛  
-حتی روابط «حسنه» عباس ستانکزی با عده ای از دیپلماتان روسیه نیز قادر نیست مواضع روسیه را در این بازی تحکیم نماید؛  
بنابراین، به احتمال زیاد روسیهک بار دیگر در پروژه های دیگران در استقامت افغانستان در آخر صف خواهد بود. مسکو مثل سابق اولویت های خود را در تحکیم ساختار های امنیتی - دفاعی در امتداد سرحدات جمهوریت های آسیای میانه پسا شوروی با افغانستان متمرکز خواهد ساخت .